

نتیجه مشابه یابی :

عنوان سند : نهایی.خانم میقانی

نام و نام خانوادگی : Akram Meyghani

تاریخ درخواست مشابه یابی : ۱۴۰۳/۱۰/۰۴

درصد کل مشابهت : ۳۷/۵۶ %

عوامل عقب افتادگی جوامع در عرصه فرهنگی از منظر آیات و روایات

اکرم میقانی^۱

چکیده

پژوهش حاضر علل عقب افتادگی جوامع از منظر آیات و روایات در عرصه فرهنگی است که در طول تاریخ یکی از مهم ترین دغدغه های جامعه شناسان و متفکران نیز بوده است و آنها به روش های مختلف به این امر واکنش نشان داده و در پی چاره جویی برآمده اند. پژوهش حاضر به روش جمع آوری اطلاعات با بهره گیری از اسناد و منابع معتبر کتابخانه ای به صورت توصیفی تحلیلی به بررسی این موضوع پرداخته است. هدف این تحقیق بررسی عوامل عقب ماندگی جوامع در عرصه فرهنگی و تبیین آن با توجه به آیات و روایات است یافته های این تحقیق نشان داد علل مهم عقب ماندگی جوامع در عرصه فرهنگ عبارت اند از: ضعف ریشه های اعتقادی و دین داری، بی اعتنایی به منابع دینی، شناخت ناصحیح دین، دوری از معارف الهی؛ انحراف از ارزش های اسلامی، تقلید کورکورانه، ورود فرهنگ بیگانه، نشناختن انسان و پایمال کردن صفات ویژه انسانی است که در دودسته اعتقادی و رفتاری قابل تقسیم است. جوامع کنونی لازم است برای اینکه عقب ماندگی خود را جبران کنند و به رشد مطلوب برسند به این عوامل توجه کنند و زمینه پیشرفت و ترقی را هر چه بیشتر و سریع تر آماده کنند تا دستاویز قدرت های مستکبر قرار نگیرند و مستعمره جوامع پیشرفته و خودکامه نشوند.

کلیدواژه ها: عرصه فرهنگی، عقب افتادگی جوامع، فرهنگ، جوامع، عقب افتادگی

^۱ طلبه سطح دوحوزه علمیه کوثر فردیس

جوامع در بستر زمان تحولاتی را پشت سر می‌گذارند گاهی به سمت کمال و سعادت و گاهی به سمت سقوط و انحطاط و طبیعتاً این صعود و سقوطها روی افراد جامعه نیز تأثیرگذار است.

البته نباید این نکته را فراموش کرد که افراد نیز می‌توانند روی جوامع اثرگذار باشند و تعالی و یا عدم تعالی بینش و شناخت افراد جامعه را به جلو یا عقب سوق دهد. متفکران و جامعه‌شناسان در پی شناسایی علل عقبافتادگی جوامع هستند تا با رفع آن به پی‌ریزی جوامع متمدن کمک کنند.

متفکران در زمینه عقبافتادگی جامعه به تامل و تفکر پرداخته و برای عقب‌ماندگی جوامع تلاش و کوشش می‌کنند گویا همه متفکران به‌نوعی پذیرفتند که هر جامعه‌ای ممکن است ضعیف شود و رو به انحطاط و افول رود، این فراز و فرودها دلایلی دارد که این مقاله به عوامل عقبافتادگی جوامع در عرصه فرهنگی از منظر آیات و روایات پرداخته و عوامل اعتقادی و رفتاری مؤثر در این زمینه را تبیین می‌کند.

امروزه با تخصصی‌شدن علوم و چون جامعه‌شناسی و روان‌شناسی بسیاری از راه‌های پیشرفت یا عدم پیشرفت جوامع شناسایی شده است و بسیاری از این عوامل از آیات و روایات قابل‌استخراج است، همچنین این بحث پیشینه مطالعاتی قوی نیز به همراه دارد، مثلاً کتاب "علل انحطاط تمدن‌ها از دیدگاه قرآن" تألیف آقای احمدعلی قانع عزآبادی که پیش از اینکه به علل انحطاط تمدن بپردازد، مباحث مقدماتی و پیش‌زمینه‌ای درباره جامعه، نشانه‌های جامعه ایدئال و منحط، «عذاب‌های الهی» مطرح کرده است. مؤلف ابتدا علل انحطاط را به سه دسته تقسیم و سپس به بررسی پرداخته است.

نکته قابل‌توجه این است باتوجه‌به قرآنی بودن بحث نویسنده کمتر به تفاسیر رجوع کرده‌اند هرچند منابع قابل‌توجهی را مورداستفاده قرار داده و در بحث‌های مقدماتی نیز نسبتاً خوب جستجو کرده است.

همچنین کتاب "حدود خسارات جهان و انحطاط مسلمین" نوشته سید ابوالحسن حسینی به زبان عربی و ترجمه مصطفی زمانی که سال ۱۳۵۴ چاپ شده است. نویسنده محترم تمام تلاش خود را به کار گرفته تا اثبات کند منشأ انحطاط مسلمین از دست‌دادن "رهبری لایق دین" بوده است و خسارات این مهم علاوه بر مسلمین بر تمام جهان و جهانیان سرایت نموده است ایشان بررسی نسبتاً وسیع از جوامع اروپا، آمریکا و آفریقا و تأثیر اسلام بر آنها و همچنین آثار انحطاط مسلمین بر آن جوامع را پی گرفته است.

کتاب «علل پیشرفت اسلام و انحطاط مسلمین» نوشته زین‌العابدین قربانی به زبان فارسی در سال ۱۳۶۱ چاپ شده، ایشان در علل انحطاط مسلمین را بعد از اینکه پیشرفت‌های قابل‌توجهی داشتند بررسی نموده و این مباحث بخش پایانی کتاب را تشکیل داده که عوامل عقب‌افتادگی مسلمین پرداخته و بیشتر بحث‌های آن قرآنی است و همچنین مقاله "علل و ریشه‌های دین‌گریزی" نوشته ناصر رفیعی محمدی و علیرضا انصاری که فصلنامه علمی، تخصصی است، در سال ۱۳۸۹ به چاپ رسیده که در دو بعد فردی و اجتماعی به انحطاط جوامع پرداخته است.

مفهوم‌شناسی

معمولاً در هر پژوهش بسته به عنوان و موضوع آن واژه‌ها و اصطلاحاتی وجود دارد که لازم می‌شود قبل از بیان و روشن‌شدن موضوع تعریف شود تا هم ابهام احتمال موجود در متن برطرف شود و هم گسترده موضوع مشخص شود به همین جهت در این مقاله هم ابتدا به تعریف اصطلاحات عنوان سپس به برخی از مفاهیم مرتبط به بحث پرداخته شده است.

عقب‌افتادگی

عقب‌افتادگی از نظر لغوی به معنی پس‌ماندگی، دنبال افتادگی نسبت به دیگران^۱ مترادف عقب‌افتادگی، بازماندگی، عقب‌ماندگی، عقب‌افتادگی در معنای اصطلاحی به هر نوع شکست و عدم موفقیتی اطلاق می‌شود که از نقطه آرمانی فرد یا جامعه دور شده باشد.

جامعه

واژه جامعه، اسم است و معانی بسیار زیادی دارد از جمله غل و قید، دیگ بزرگ، اجتماع، مجتمع، حوزه، حلقه، مردم یک کشور یا یک شهر یا ده یا دانشگاه^۲ هر یک از صاحب‌نظران جامعه‌شناسی، در تعریفی که از جامعه ارائه داده‌اند بر روی یک عنصر یا محور تکیه و بر آن اساس جامعه را تعریف کرده‌اند. جامعه معمولاً به گروهی از مردم اطلاق می‌شود که به‌منظور تأمین نیازمندی‌های مادی و معنوی خود جمع می‌شوند و روابط و مناسبات

^۱ معین، فرهنگ فارسی معین، نشر میلاد، ص ۴

^۲ دهخدا، لغت‌نامه، ج ۵، ص ۶۴۸۹

اجتماعی میان آنها برقرار می‌شود^۱ تعاریف دیگر روی عناصر مثل مجموعه عقاید و آرمان‌ها^۲ و برخی هم روابط انسانی^۳ و بعضی هم بر عنصر اشتراک^۴ که هر کدام تعریف خاصی دارند پافشاری کرده‌اند

فرهنگ

واژه فرهنگ را مرکب از دو واژه «فر» و «هنگ» به معنای ادب، تربیت، دانش، علم معرفت، آداب و رسوم، تعریف کرده است^۵ فرهنگ از نظر لغوی علم، دانش، ادب، معرفت، تعلیم و تربیت، آثار علمی و ادبی یک قوم یا یک ملت و نیز به معنی کتاب لغت، کتابی که شامل لغات یک زبان و شرح آنها باشد. فرهنگ در اصطلاح، به معنای روش‌های زندگی اعضا یا گروه‌های یک جامعه دانست که شامل ارزش‌ها هنجارها باورها و کالاهای مادی آن می‌شود.^۶ جامعه از طریق این عنصر مهم افراد را به باورها، اعتقادات و رفتارهای معین وامی‌دارد. در واقع فرهنگ چکیده و عصاره زندگی اجتماعی است.^۸ گاهی عواملی سبب پیشرفت و ترقی فرهنگ می‌شود و گاهی عواملی باعث عقب‌افتادگی آن می‌شود در ادامه به عواملی که سبب عقب‌افتادگی فرهنگی جوامع می‌شود می‌پردازیم.

عوامل اعتقادی عقب‌افتادگی فرهنگی جوامع از نظر آیات و روایات

بدون شک نمی‌توان از نقش‌پذیری عوامل اعتقادی در پیشرفت یا عدم آن در جوامع غافل شد. اگر دستگاه تدبیر در این زمینه درست شود و الگوی مناسبی برای تقویت اعتقادات ارائه دهد قطعاً شرایط جامعه به گونه دیگر خواهد شد.

عوامل اعتقادی مؤثری وجود دارند که در صورت وجود نقص در آنها می‌تواند بر فرهنگ جامعه تأثیر بگذارد و به‌آسانی چرخه فرهنگی جامعه‌ای از کار بیندازد و در نهایت سبب عقب‌افتادگی جوامع شود. عوامل اعتقادی معمولاً با اشکال مختلف خود را نشان می‌دهد که در ذیل به آن اشاره خواهیم کرد.

^۱ وثوقی، مبانی جامعه‌شناسی، ج ۱۲، ص ۵۰

^۲ مطهری، مجموعه آثار دو جلدی، ص ۳۳۲

^۳ وثوقی، مبانی جامعه‌شناسی، ج ۱۲، ص ۵۱ و ۵۲

^۴ همان، ص ۵۱، ۵۲

^۵ معین، فرهنگ فارسی معین، نشر میلاد، ص ۴

^۶ عمید، فرهنگ عمید، دو جلدی، ۱۳۳۶

^۷ ر.ک، گیننز، ۱۳۸۶: ۳۴

^۸ ر.ک، گلابی، ۱۳۷۸: ۱۳۶

۱- ضعف ریشه‌های اعتقادی و دین‌داری

یکی از علت‌ها که در شمار عوامل ضعف و عقب‌افتادگی جوامع از نظر فرهنگی به آن می‌توان اشاره نمود، ضعف شناخت اعتقادی مسلمانان است. عقاید در طول زندگی بشر نقش مهمی دارد و در واقع جامعه‌ای که در آن عقاید و اعتقادی نباشد واقعیت ندارد. آنچه مورد توجه است بی‌توجهی مسلمانان نسبت به عقاید حقه اسلامی و در مقابل، توجه دشمنان نسبت به آن است. شهید مطهری می‌فرماید: خیلی روشن است که بعضی از جهان‌بینی‌ها الهام‌بخش سکون و رکود و جمود و بعضی مایه ترقی و رشد است.^۱ امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: «الَّذِينَ شَجَرَةُ أَصْلُهَا التَّسْلِيمُ وَالرُّضَا، دِينَ دِرْخْتِي است که ریشه‌اش تسلیم و رضاست»^۲ به دلیل آفات وارد بر دین‌داری، حریم‌های انسانی و مرزهای سلوک اجتماعی متزلزل شده و انواع حرمت‌شکنی‌ها و تعدی‌ها ظهور می‌کند.^۳ در طول نیم‌قرن پس از ارتحال نبی اکرم صلی الله علیه و اله وسلم دین و دینداری به لحاظ عدم رویکرد رویکرد و توجه عمیق به دین و سطحی‌نگری و قشری‌گرایی در دین، دچار آسیب و آفت می‌گردد و در اثر این آفت، باورهای دینی هویت اصلی خود را از دست می‌دهند. گاهی این آسیب از ضعف باورها و رفتارهای دینی و بی‌اهمیتی به ارزش‌های دینی است و گاهی هم بر اثر بی‌ایمانی، دین‌گریزی.

بحران‌های ناشی از آسیب دینی و دین‌داری عمیق و گسترده است و می‌تواند به بحران‌های فرهنگی و اعتقادی منجر گردد. استاد شهید آیت‌الله مرتضی مطهری معتقد است که توحید، نبوت، زهد، تقوی با توکل و... مسخ شده و تا وقتی که این مفاهیم، چهره حقیقی خود را بر روی مسلمین باز نکنند، آنها ترقی نخواهند کرد.^۴

یکی از عواملی که می‌تواند در برابر این ضعف مسلمانان به کار آید و مؤثر باشد اتحاد و یکپارچگی و تمسک به حبل‌الله المتین است همان‌گونه که در قرآن آمده است: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا، اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ، عامل رهایی از ذلت و خواری است.»^۵ و همچنین خداوند می‌فرماید: «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ، عزت مخصوص خدا و رسول و مومنین است.»^۶ لذا یکی از علت‌های عقب‌افتادگی جامعه ضعف و ریشه‌های اعتقادی و دینداری اسلامیست، در جایگاه سیاست و تدبیر مسائل جهانی امت اسلامی عقب است؛ علت این است که به قرآن عمل نمی‌کنند، علت این است که قرآن - برخلاف ادعاهای ما - معیار و محور معرفت و

^۱ (ر/ک نقدی بر ماکسیم، ص ۵۲)

^۲ آمدی، غررالحکم، ج ۱، ص ۳۲۹

^۳ دلشاد تهرانی، رهنان دین، ص ۳۸ و ۳۹

^۴ مطهری، انسان و سرنوشت، مقدمه کتاب

^۵ آل عمران، ۱۰۳

^۶ منافقون، ۸

به مردم القا شده و مردم مشغول امور کم‌اهمیت دین شدند و حتی برداشتی از دین در بین مردم. در سوره نور است که می‌فرماید: «فَلْيَخْذِرِ الَّذِينَ يَخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ، باید بترسند کسانی که از اطاعت امر خدا مخالفت می‌وزند که به ایشان بلایی یا عذاب دردناکی برسد.»^۱ بعضی از مفسران گفته‌اند: ممکن است مراد از فتنه بلای دنیوی و عذاب الیم در آخرت باشد و ممکن است فتنه و عذاب هر دو اخروی باشد.

بسیار رسیده است از آن جمله پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) می‌فرماید: «قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: مَا يَتَقَرَّبُ إِلَيَّ عَبْدِي بِمِثْلِ أَدَاءٍ مَا افْتَرَضْتُ عَلَيْهِ»؛ خداوند شب معراج به من فرمود: نزدیک نمی‌شود بنده ای از بندگانم به من به چیزی مانند عمل کردن به آنچه بر او واجب کردم.^۲ و نیز فرمود: «اعْمَلْ بِفَرَائِضِ اللَّهِ، تَكُنْ مِنْ أَتَقَى النَّاسِ، به واجبات عمل کن تا باتقواترین مردم باشی.»^۳

۴- ورود فرهنگ بیگانگان

یکی از مهم‌ترین عامل عقب‌افتادگی جوامع، ورود اندیشه‌ها و فرهنگ‌های بیگانه و متأثر شدن آن جامعه از این فرهنگ‌ها می‌توان اشاره کرد. آنچه که در این قسمت مورد سخن است جنبه تأثیری آن بر روی جوامع است.

در صدر اسلام بعد از وفات پیامبر صلوات‌الله‌علیه مسلمانان پیشرفت‌های نظامی وسیعی در منطقه روم و ایران به دست آوردند. مثلاً در پایان سال دوازدهم هجری جنگ با مشرکان و مخالفان تقریباً تمام شده بود، لذا ابوبکر لشکر خود را به سمت دره اردن و فلسطین روانه کردند و در سال هفدهم هجری فلسطین با فرماندهی عمر بن عاص فتح شد. این توسعه‌طلبی باعث قرابت میان مسیحیان، یهودیان و مشرکان با مسلمانان شد و بدین‌گونه فرهنگ و عقاید مسیحیان و ادیان و دیگر مذاهب وارد قلمرو مسلمین شد و از طرف دیگر اکثر مسلمانان ضعف اعتقادی قابل‌توجهی داشتند و شخصیت علمی و فرهنگی نبود تا با این شبهات و انحرافات مقابله کند، زیرا تنها کسی که توان این مقابله را داشت امیرالمؤمنین حضرت علی علیه‌السلام بود که او را از جامعه اسلامی دور کرده بودند، هرچند که حضرت در مواقع ضروری وارد عمل می‌شد؛ ولی کمبود فرهنگی آن حضرت به‌روشنی نمایان بود. آنچه که این عامل را تقویت می‌کرد، ورود احبار و رهبانان مسیحی و یهودی به‌ظاهر مسلمان شده در جمع مسلمانان بود. کسانی چون کعب الاحبار و وهب بن منبه یمانی... با تظاهر خود را در قلوب مردم جای دادند، پس نزد خلفا و منزلت پیدا کرده طوری که عثمان، کعب الاحبار را به‌عنوان قاضی‌القضات مسلمانان نصب کرد.

^۱ نور، آیه ۶۳

^۲ کافی، کلینی، ج ۲، ص ۸۲

^۳ صدوق، علل الشرائع، ج ۷، ص ۱۲

بسیاری از عقاید انحرافی که در مقابل مسلمانان پیدا شد معلول وجود همین احبار و رهبان به‌ظاهر مسلمان بوده است. درباره نفوذی‌ها و ورود فرهنگی بیگانه خداوند متعال فرماید، آنان که به سخنان تو گوش می‌سپارند تا بهانه و دستاویزی برای حق‌ستیزی و دروغ انگاشتن پیام خدا و پیامبرش بیابند و بر آنند که از زبان تو دروغ بسازند و پخش کنند^۱.

شریعتی معتقد است زمانی که عناصر و ارزش‌های فرهنگ‌های بیگانه در فرهنگ جامعه ما رسوخ پیدا کند و افراد را به سمتی بکشاند که از خویشتن خویش یعنی تاریخ، فرهنگ، سنت و زبان خویش جدا شوند

افراد تلاش می‌کنند خلاء خود را با درون‌مایه‌های فرهنگی بیگانه پر کنند و با فرهنگ خویش بیگانه می‌شوند.^۲ در همین باره رسول خدا صلوات‌الله‌علیه می‌فرماید کسی که خود را شبیه غیرمسلمان در آورد و استقلال فرهنگی خود را از دست بدهد از ما نیست^۳.

نتیجه‌گیری

باتوجه به مطالبی که ارائه شد می‌توان گفت از آنجاکه یکی از ویژگی‌های عقب‌افتادگی جوامع عوامل فرهنگی آن جامعه است که در آیات و روایات به بررسی این عوامل پرداخته شده است. آنچه که در این جمع‌بندی می‌توان به آن اشاره و تأکید کرد، این که عبور و گذر از ضعف و عقب‌افتادگی جوامع مجموعه‌ای از عناصر اعتقادی و رفتاری را مورد تأکید قرار می‌دهد. جامعه از طریق این عناصر مهم افراد را به باورها، اعتقادات و رفتارهای اخلاقی معین وامی‌دارد، در واقع فرهنگ چکیده زندگی اجتماعی است. عوامل اعتقادی مثل؛ ضعف ریشه‌های اعتقادی و دین‌داری، نشناختن انسان و پایمال کردن صفات ویژه انسان، شناخت ناصحیح دین، انحراف از ارزش‌های اسلامی، هر کدام از این عوامل باعث انحطاط و عقب‌افتادگی جوامع را به همراه دارد. ریشه‌های اعتقادی و دین‌داری و انحراف از ارزش‌های دینی، باعث آسیب‌دیدن، دین و آفت وارد بر دین‌داری، حریم‌های فرهنگی و مرزهای سلوک اجتماعی را متزلزل کرده و انواع تعدی‌ها و حرمت‌شکنی‌ها ظهور می‌کند و همین باعث عقب‌افتادگی یک جامعه را فراهم می‌کند.

شناخت ناصحیح دین، باعث می‌شود که انسان نسبت به جهان بیرون و خود واقعی وی، بیگانه گشته و این امر انسان‌ها را به پریشانی و جامعه را گرفتار مشکلات اجتماعی می‌کند. وقتی ارزش‌ها دینی جایگاه خود را از دست

^۱مأیده آیه ۲۴

^۲شریعتی، بازشناسی هویت ایرانی اسلامی، جلد ۱، ص ۲۱۳

^۳پاینده، نهج الفصاحه، ص ۵۰۹

بدهد، ضد ارزش‌ها جایگزین می‌شود، این امر انحطاط و عقب‌ماندگی جوامع را به همراه دارد و تأثیرات منفی بر جامعه می‌گذارد. شناخت آنها و پرداختن به سلامت و بهداشت دین‌داری از مهم‌ترین آداب در چنین سیری است. عوامل رفتاری مثل، و تقلید کورکورانه، ورود فرهنگ بیگانه در قرآن مذمت شده است، از آیات و روایات به دست آمده، دین و دین‌داری، بصیرت و پیروی با اندیشه است. اگر تقلید ویرانگر بر دین‌داری حاکم شود، شأن هدایت‌گری دین که بر پایه‌های بصیرت بنا شده و شأن دین‌داری که بر پایه پیروی آگاهانه است، به شدت آفت‌زده گشته، دین‌داری آسیب اساسی می‌بیند، و زمینه‌ای می‌شود که با بی‌تقوایی بزرگان قوم، مردم در اموری به اطاعت مخلوق کشیده شوند که معصیت خالق است. دوری از اسلام واقعی، بی‌اعتنایی به منابع دینی به مصلحت جامعه نیست که به انحراف بخش عمده‌ای از ارزش‌های اسلامی ختم شده است. به نظر می‌رسد، راه حل همان بازگشت به جامعه اسلامی و به کار بردن آیات و روایات است که اهمیت بسیاری در پیشرفت و سهم بزرگی جلوگیری از عقب‌افتادگی و ضعف جوامع است؛ لذا در می‌یابیم دین مبین اسلام آموزه‌های فراوانی درباره عقب‌افتادگی جوامع بیان کرده است. اگر از آیات و روایات در پیشرفت جوامع استفاده شود و عوامل عقب‌افتادگی و انحطاط جوامع مثل عوامل اعتقادی و رفتاری از نظر آیات و روایات در جامعه سامان یابد، می‌توان گفت که در بخش‌های عقب‌افتادگی فرهنگی خود را با وضعیت قرآن و آیات وفق داده و اوضاع سامان بیشتری می‌یابد.

منابع

قران

نهج البلاغه

۱_ امامی، محمدجعفر، آشتیانی محمدرضا، ترجمه و شرح نهج البلاغه، قم، دفتر تبلیغات حوزه علمیه، ۱۳۷۹هـ-ش

۲_ آمدی، عبدالواحد، تصنیف غررالحکم ودررالكلم، قم، دارالکتاب، ۱۳۲۵ هـ-ق

۳_ بهمردی، اردشیر، ریشه‌های واژه فرهنگ در دوره میانه، ایسنا، ۱۳۹۰هـ-ش

۴_ دشتی، محمد، معجم المفهرس ألفاظ نهج البلاغه، ج ۲، قم، مشهور، ۱۳۷۹هـ-ش

۵_ دلشاد تهرانی، مصطفی، رهنمای دین، تهران، دریا، ۱۳۷۹ هـ-ش

۶_ عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، تهران سپهر چاپ هشتم، هـ-ش ۱۳۷۱

۷_ شریعتی، علی، کتاب شیعه، تهران، الهام، ۱۳۷۸ هـ-ش

۸_ شریعتی علی، بازساختی هویت ایرانی_ اسلامی، تهران، الهام، ۱۳۷۸هـ-ش

۹_ قربانی، زین‌الدین، علل پیشرفت اسلامی و انحطاط مسلمین، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۰هـ-ش

۱۰_ کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، تهران، دارالکتاب اسلامی، ۱۴۰۷ هـ-ق

۱۱_ وثوقی، منصور، نیک خلق، علی‌اکبر، موانع جامعه‌شناسی، تهران، انتشارات خردمند، سال ۱۳۷۸هـ-ش

۱۲_ مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، «تنظیم احمدعلی بابایی» تهران، دارالکتب اسلامی، ۱۳۸۶ هـ-ش

۱۴_ صدر، سید موسی، مجموعه گام‌به‌گام امام، مجموعه گفتارها و مصاحبه‌ها و مقالات سید موسی صدر، جلد ۲ و ۳، تهران، مؤسسه فرهنگ_ تحقیقاتی امام موسی صدر

۱۳_مطهری، مرتضی، انسان و سرنوشت، تهران، صدرا. ۱۳۹۰ه-ش

۱۴_فکری، محمد، اینانلو، مینا، دیگران، بررسی جامعه‌شناختی جنبش فتح‌الله گولن بر مبنای بسیج منابع، مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره هفتم، شماره ۳

۱۵_حسن، آخوندی، مقاله تقلید کورکورانه آفت دین‌داری، نشریه معرفت، شماره ۶، شهریور ۱۳۹۷ه-ش

۱۶_ملایی، محمدرضا؛ تقوی، سید محمدعلی، دیگران، بررسی تطبیقی علل عقب‌ماندگی مسلمین و راه‌های بیرون رفت از آن در آرای گولن و شریعتی، ۱۳۹۴ه-ش